

کاربرد هنر نقاشی در تربیت زیباشناختی و پرورش تفکر خلاق در کودکان از منظر فبک

چکیده

فلسفه برای کودکان (P4C) به همت لیپمن بنیان نهاده شد. وی تلاش نمود با طرح فرایندی از فعالیت‌ها به کمک داستان، تفکر را توسعه دهد. داستان، پایه اصلی تفکر و ارتباط و یکی از ابزارهای پرورش تفکر در فبک هست؛ اما آیا فبک در مورد سایر هنرها از جمله نقاشی به‌عنوان ابزار و واسطه‌ای در فلسفه برای کودکان کارا هست؟ هدف این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی است، بهره‌گیری از ظرفیت‌های نهفته در نقاشی از منظر لیپمن به‌عنوان واسطه‌ای در تقویت و رشد تفکر کودکان در برنامه فلسفه برای کودکان هست. این ویژگی‌های نهفته در هنر، لیپمن را بر آن داشت تا در کتاب «رویداد هنری» به ویژگی‌های هنرها از جمله نقاشی بپردازد. در این مقاله تلاش شده با استناد به نظرات لیپمن این سوال پاسخ داده شود که نقش نقاشی در پرورش مشرب‌های فکری با همه اهداف فبک چیست؟ لیپمن، هنر را نوعی رویداد می‌داند که ماهیت آن معمایی ثابت و چالش برانگیزی است. او هنر را یک فرایند هوشمندانه خرد با زندگی می‌داند و هنر را یک دستگاه واحد می‌داند که تجزیه و تحلیل آن مفید است. همچنین نقاشی را سبب بروز خلاقیت‌های فردی و وضوح‌بخشی به موضوع و چندجانبه‌گری و پرورش فکر می‌داند. نتایج تحقیق حاکی است: کودکان از طریق نقاشی کردن، به کار عملی و هنری می‌پردازند و با گفت‌وگو حول نقاشی‌ها و آثار هنرمندان تفکرات و ذهنیات‌شان بهبود می‌یابد. نقاشی به‌عنوان روشی کارآمد می‌تواند این مسؤلیت را به‌درستی انجام دهد. لذا نقاشی بر بهبود تفکر فلسفی کودکان از نظر لیپمن مؤثر است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی نقش هنر نقاشی در تربیت زیباشناختی در کودکان از منظر فبک.
۲. بررسی نقش هنر نقاشی در پرورش تفکر خلاق در کودکان از منظر فبک.

سؤالات پژوهش:

۱. هنر نقاشی چه نقشی در تربیت زیباشناختی در کودکان از منظر فبک دارد؟
۲. هنر نقاشی چه نقشی در پرورش تفکر خلاق در کودکان از منظر فبک دارد؟

کلیدواژه‌ها: نقاشی، فلسفه برای کودکان، متیو لیپمن، تفکر خلاق، گفت‌وگو.

مقدمه

برای لیپمن، ادعاهایی که در آن گفته می‌شود دانش بشر از آن‌ها تشکیل شده است، در حقیقت پاسخ به سؤالاتی هستند که امروزه زمان زیادی از فراموش شدن آنان می‌گذرد (Lipman and Sharp, ۱۹۸۴:۱۵۸). چیزی که اکنون آن را دانش واقعی می‌نامیم، نتیجهٔ عموماً پذیرفته‌شدهٔ تحقیقات پیشین است. برنامهٔ درسی P4C بر سؤالات (نه بر پاسخ‌ها)، بر تفکر (نه بر دانش) تأکید دارد. لیپمن (۲۰۰۳) این نظریه را مطرح کرد که اگر ذهن کودک را درگیر مباحث فلسفی کنیم، می‌توانیم شیوهٔ تفکر او را رشد دهیم. لیپمن معتقد بود اگر کنجکاوی طبیعی کودکان و میل آنان به دانستن دربارهٔ جهان را با فلسفه ارتباط دهیم، می‌توانیم کودکان را به متفکرانی تبدیل کنیم که بیش‌ازپیش نقاد، انعطاف‌پذیر و مؤثر باشند؛ بنابراین او برنامهٔ آموزش فلسفه برای کودکان را مطرح کرد تا مشکلات و ضعف‌های بنیادی نظام تعلیم‌وتربیت رایج را که مدت‌هاست درمان‌ناپذیر به نظر می‌رسد را با تغییراتی زیربنایی در ساختار آن رفع کند (ناجی، ۱۳۸۶).

یکی از شاخه‌های هنر، نقاشی است که فعالیتی شخصی هست و از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. لذا نقاشی می‌تواند به‌مثابهٔ نوعی بازی برای کودکان مطرح باشد. از دیدگاه روانکاوی نقاشی به‌منزلهٔ فعالیت بالینی - فرافکنی است؛ یعنی از طریق نقاشی فرد می‌تواند آنچه را که ضمیر ناخودآگاه دارد و احتمالاً باعث ناراحتی و اضطرابش می‌شود را بیان کند. نقاشی نوعی بیان تصویری است که می‌تواند به بیان حقیقت، شادی‌ها، رنج‌ها و دردها، ظلم و ستم‌ها و... بپردازد و اصلاً ویژگی هنر این است. انسان در طول تاریخ، به طریق مختلف از جمله هنر نقاشی، به بیان احساسات و ذهنیات خود پرداخته است. نقاشی در کودکان می‌تواند میزان تفکرات انتقادی، خلاقانه و مراقبتی آن‌ها را بهبود بخشد. به‌واسطهٔ نقاشی تفکرات کودکان خلاق‌تر می‌شود نقاشی به‌عنوان عاملی مهم در آموزش تفکر شناخته می‌شود. چون که یک نقاش با آثار هنری خود احساسات و تفکرات مخاطبان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. باتوجه‌به نظرات لیپمن امروزه نیز از این عامل در جهت بهبود و آموزش تفکر به‌ویژه برای دانش‌آموزان و کودکان در نظر گرفته شده است.

بررسی پیشینهٔ پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشتهٔ تحریر درنیامده است. با این حال تحقیقات چندی در این حوزه انجام شده است. ابادری (۱۳۹۱) در پایان‌نامه خود با عنوان «پرورش تفکر خلاق در کودک با وساطت هنرهای بصری (نقاشی و عکاسی) براساس برنامه فلسفه برای کودکان» به یک پژوهش در این حوزه پرداخته است. وی بر آن است برای اینکه کودکان بتوانند زمینه‌های پر معنا را جذب کنند و مهارت‌های تفکر خلاق در ایشان رشد و تکامل یابد، می‌بایست فرصت‌های پی‌درپی برای ساخت چنین مهارت‌ها و توانمندی‌هایی در گفت‌وگو و دادوستدهای کلامی برای ایشان فراهم گردد. یکی از این محرک‌ها، هنر و امکانات بی‌شمار آن است که این پژوهش بر پایهٔ استفاده از آن در کلاس‌های فلسفه برای کودکان شکل گرفته است. با این تفاسیر، نگارنده در پژوهش حاضر که به روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است، درصد کاربرد هنر نقاشی در تربیت زیباشناختی و پرورش تفکر خلاق در کودکان از منظر فبک هست.

نتیجه‌گیری

۱ در آراء لیپمن تفکر فعالیتی است که مستلزم داشتن نیروی محرک است. از نظر لیپمن با پتانسیلی که در هنرها نهفته است در کتاب «در هنر چه روی می‌دهد» هنر را نوعی تجربه هوشمندانه و هدفمند می‌داند که هنرمند یا نقاش به دنبال مرتب‌سازی تجربه خود است. لیپمن از این نظر هنر را دستگاه واحدی می‌داند که تجزیه و تحلیل آن مفید است. صفات بیانی در نقاشی مثل رنگ و خط و... دارای حالات بیانی خاصی هستند گاهی این حالات و بیانات آن قدر قوی هستند که از قدرت اخلاقی قوی برخوردارند تا آنجا که می‌تواند سبب رشد تفکر در کودکان شود؛ زیرا تجربه کشیدن نقاشی یا دیدن اثر هنری برای کودک قابل لمس و درک است و گفت‌وگو حول آن نقش مهمی در رشد عقلی کودک دارد این ویژگی‌ها - حجم و وسعت در موسیقی، حرکت در مجسمه‌سازی و معماری، عمق در نقاشی، اگرچه ظریف و مرموز هستند - تأثیر شدید و قوی در تجربه زیبایی‌شناختی ما دارند. کشیدن یا در نظر گرفتن ظاهر یک موضوع سبب دقت به جزئیات می‌شود و بخش‌های تاریک موضوع را روشن می‌کند و به صورت ناخودآگاه باعث پرورش فکر و بروز خلاقیت می‌شود؛ در نتیجه، نقاشی با وساطتش در جای خود سبب وضوح بخشی به موضوع و تفکر و بروز خلاقیت می‌شود.

۲ نقاشی می‌تواند در رشته‌های مختلفی همچون فلسفه و روانشناسی کاربرد داشته باشد. امروزه در علم روانشناسی، از نقاشی به عنوان یک درمان مؤثر برای کودکان استفاده می‌گردد؛ در حوزه فلسفه نیز، از نقاشی می‌توان برای آموزش تفکر و پرورش ذهن استفاده کرد. نکته مهمی که در آموزش کودکان باید مدنظر داشت این است که تجربه بر بیان مقدم‌تر است و در این راستا، هرچقدر کودکان بیشتر به نقاشی دیدن، نقاشی کشیدن، و سپس گفت‌وگو حول آن واداشته شوند، تفکرات و ذهنیات آن‌ها نیز خلاق‌تر، پویاتر و روشن‌تر می‌گردد.

۳ از نظر لیپمن، روش‌های سنتی آموزش نمی‌تواند کودکان را در زمینه تفکر انتقادی و خلاقانه به موفقیت رساند. همین عامل موجب شد تا او و دیگر شاگردان و صاحب‌نظران حوزه «فبک» (فلسفه برای کودکان) به بررسی تأثیر هنرها، از جمله نقاشی، در رشد تفکر فلسفی کودکان بپردازند. به باور لیپمن، نقاشی روشی عملی و کاربردی برای ارتقای تفکر انتقادی و خلاقانه است و می‌تواند قدرت حل مسئله در کودکان را بالا ببرد. نقاشی کردن موجب خلق موقعیت‌های جدید و بکر می‌شود و فکر کردن به واسطه نقاشی توانایی تفکر و ایده‌پردازی را تقویت می‌کند. نقاشی هم‌چنین موجب می‌شود کودکان به پیرامون خود دقت و توجه داشته باشند و بتوانند جزئیات بیشتری را ببینند؛ یا آنکه اشیاء را از زوایای مختلف بررسی کنند و به خصوصیات آن‌ها بیشتر آگاه شوند. همه این ویژگی‌ها حاکی از آن است که استفاده از نقاشی می‌تواند عاملی کلیدی و اساسی در آموزش تفکر فلسفی و بهبود مسائل ذهنی کودکان باشد.

۴ از نظر لیپمن، اثر هنری یک دستگاه واحد یا کل منسجمی است که برآمده از تجزیه و تحلیل عناصری چون خط، سطح، حجم، رنگ و ... می‌باشد؛ و هنرمند به دنبال نظم‌دادن و مرتب‌سازی تجربه هنری خویش است. چنین کندکاوای در اثر مستلزم خوب دیدن و خوب فکر کردن است و سبب تقویت سواد زیباشناختی و قوای فکری می‌شود. به علاوه، هنرمند در اثر به بیان و برون‌ریزی ذهنیات، افکار و احساسات خویش می‌پردازد و این امر مخاطب را به تفکر وامی‌دارد تا چنین اموری را در درون خود نیز بیابد و به درک بهتری از سازوکار فکری و احساسی خویش نائل شود. باتوجه به نظر لیپمن در خصوص پیوند نقاشی و نویسندگی، می‌توان چنین نتیجه گرفت که نه تنها نقاشی و استفاده از تصویر محل خلاقیت در نوشتن نیست، بلکه تکمیل‌کننده و تقویت‌کننده تأثیر آن است. نقاشی در جای خود می‌تواند سبب وضوح بخشی به موضوع و چندجانبه‌نگری و پرورش فکر در نوشتن شود. ممارست در نقاشی درک تصویری و

جزئی‌نگری را قدرت می‌بخشد و این امر به نویسنده کمک می‌کند تا در متن خود، توصیفات تصویری بهتر، دقیق‌تر و گویاتری از اشخاص، مکان‌ها و رویدادها ارائه کند. هم‌چنین، خیال‌پردازی و استفاده از عناصر انتزاعی در نقاشی، آن‌گونه که فرضاً در نقاشی کودکان رخ می‌دهد، می‌تواند موجب پرورش تخیل و رؤیاپردازی در نوشتن شود.

منابع و مآخذ:

- اکبر حلوائی، اعظم. (۱۳۸۵). «نقاشی کودکان را جدی بگیریم». مجلات نورمگز، ۱۷-۱۲.
- توماس، کلین. وی؛ سیلک، آنجل. ام. اجی. (۱۳۹۷). مقدمه‌ای بر روان‌شناسی نقاشی کودکان. ترجمه: عباس مخبر، تهران: نشر سمت.
- ریخته‌گران، محمدرضا. (۱۳۸۶). حقیقت و نسبت آن با هنر، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- سوداگر، محمدرضا، دیباج، سید موسی، اسلامی، سید غلامرضا. (۱۳۹۰). «ضرورت وساطت هنر در آموزش تفکر فلسفی به کودکان». مجله تفکر و کودک، شماره اول، ۲۵-۵۰.
- ضمیران، محمد. (۱۳۸۸). مبانی فلسفی نقد و نظر در هنر. اصفهان: انتشارات نقش جهان.
- علی مدد سلطانی، لیلا. (۱۳۹۴). «تبیین کارکردهای تفکر خلاق در فلسفه برای کودکان براساس دیدگاه متیو لیپمن». پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزادی اسلامی واحد تهران مرکزی.
- فخرایی، الهام. (۱۳۸۹). «فلسفه برای کودکان گامی به سوی پیوند فلسفه با جامعه». مجله تفکر و کودک، شماره ۱، ۱.
- فیشر، رابرت. (۱۳۸۵). آموزش و تفکر. ترجمه: فروغ کیانزاده، اهواز: نشر رسش.
- فیشر، رابرت. (۱۳۸۶). آموزش تفکر به کودکان. ترجمه: مسعود صفایی‌مقدم و افسانه نجاریان، اهواز: رسش.
- محمدی صبا، جواد. (۱۳۹۱). «نقاشی کودکان و نقش آن در پرورش خلاقیت». مجله رشد آموزش هنر. ۴۱-۳۶.
- مهرمحمدی، محمود. (۱۳۹۰). «تبیین چرخش زیباشناسانه در تعلیم‌وتربیت: درس‌های خرد و کلان برای بهبود کیفیت آموزش با الهام از عالم هنر». فصلنامه تعلیم‌وتربیت، دوره بیست و هفتم، شماره ۱۰۵، ۳۴-۱۱.
- مهر محمدی، محمود؛ کیان، مرجان. (۱۳۹۳). برنامه درسی و آموزش هنر در آموزش و پرورش، تهران: سمت.
- ناجی، سعید. (۱۳۸۶). «بررسی نتایج برنامه فلسفه برای کودکان». مطالعات برنامه درسی، شماره ۷، ۱۵۰-۱۲۳.
- Cam, P. (۲۰۱۴). Commentary on Ann Margaret Sharp's 'The other dimension of caring thinking'. *Journal of Philosophy in Schools*, ۱(۱), ۱۵.
- Hagaman, S. (۱۹۹۰). "Feminism Inquiry in Art Itistory, Art Criticism and Aesthetics: an Overview for Art Education", *Studies in Art Education*, Vol. ۳۲, No. ۱.
- Ioannou, S. (۲۰۱۸). Teaching Philosophy thrigh painting: A Museum Workshop, *ANALYTIC TEACHING AND PHILOSOPHICAL PRAXIS VOL. ۳۸, ISSUE*
- Jusso, H. (۲۰۰۷). *Child, Philosophy and Education, Discussing the Intellectual Sources of Philosophy for Children*, Oulu University Press.

- Lipman, M. (1967). *What happens in art*. Irvington publishers, Inc. Temple New York
- Lipman, M. (1977). *Philosophy in the classroom*. (2nd edition). Temple University Press.
- Lipman, M. (1978). *writing: How and why* (instructional manual to accompany *suki*). N.J.: IAPC
- Lipman, M. (2003). *Thinking in Education*. (2nd edition). New York, Cambridge University Press.
- Lipman, M. and Sharp, A. (1978). *Growing up with Philosophy*, Philadelphia, Temple Univ. Press.
- Lipman, M. (1991). *Thinking in Education*, Cambridge, Massachusetts: Cambridge University press
- Morris, K. (2000). *Can Children Do Philosophy?*, *Journal of Philosophy of Education*, 34 (2).
- Morris, K. (2008). *Philosophy With Children, the Stingray and the Educative Value of Disequilibrium*, In: *Journal of philosophy of Education*, VOL 42, No. 3.
- Morris, K. (2017). *Philosophy with Picturebooks*, *Journal Reserchgate*, 7
- Suzen, H, Mamur, N. (2014). *Reflection Of "Philosophy" On Art And Philosophy Of Art*, *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 122, pp 261– 266
- Vieira, V. Fabbri, R, Sbrissa, D, Fontoura, L, Travieso, G. (2016). *A quantitative approach to painting styles*, *Physica A* 457, pp 110–129.